



جناب آقای دکتر نوذر شفیعی

عضو هیئت علمی
گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تحلیل راهبردی حمله نظامی اسرائیل به ایران؛ آسیب‌شناسی و ضرورت بازتعریف الگوی بازدارندگی

در ماه‌های اخیر با تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه، به‌ویژه پس از حمله مستقیم اسرائیل به برخی تأسیسات نظامی و هسته‌ای در خاک ایران، بحث‌ها پیرامون جایگاه امنیت ملی، وضعیت بازدارندگی و کارآمدی سازوکارهای حقوقی در سطح بین‌الملل دوباره در کانون توجه قرار گرفته است. این رخداد نه‌تنها یک اقدام نظامی پیش‌دستانه از سوی رژیم صهیونیستی بود، بلکه نشانه‌ای از تحول در نوع مواجهه بازیگران منطقه‌ای با ظرفیت‌ها و تهدیدات متقابل به شمار می‌آید. در چنین شرایطی، بررسی ابعاد این حادثه از منظر محاسبات راهبردی، حقوق بین‌الملل و الگوهای بازدارندگی، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، تحلیلگران و متخصصان روابط بین‌الملل تلاش کرده‌اند تا ضمن ارزیابی وضعیت موجود، به بررسی دلایل، پیامدها و آینده این رخداد بپردازند. در همین راستا، در یک گفت‌وگوی تفصیلی با دکتر نوذر شفیعی، استاد روابط بین‌الملل، به بررسی دقیق تحولات اخیر پرداخته و تلاش کرده تا با تکیه بر تجارب تاریخی، دانش نظری و درک عینی از میدان سیاست ایشان، به بازخوانی عمیق و ابعاد چندلایه و گوناگون پیرامون این رخداد و پیامدهای آن بپردازیم. در این مصاحبه، سه محور اصلی مورد تأکید قرار گرفته‌اند که هر یک از اهمیت راهبردی برخوردارند و درک آن‌ها برای فهم وضعیت ایران در عرصه سیاست بین‌الملل ضروری است: نخست، ملاحظات ایران در تحلیل توانمندی‌های اسرائیل، جایگاه بازیگران بزرگ و نقش متحدان سنتی؛ دوم، چالش‌های ساختاری، حقوقی و نهادی در پیگیری تجاوز اخیر اسرائیل و امکان بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بین‌الملل؛ و سوم، ضرورت بازتعریف مدل بازدارندگی ایران متناسب با شرایط متحول ژئوپلیتیکی و فناورانه منطقه.



اطلاعات مصاحبه

- مصاحبه‌کننده: مرضیه تاجمیری، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان
- مصاحبه‌شونده: دکتر نوذر شفیعی، عضو هیئت‌علمی گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- تاریخ برگزاری: سه شنبه، ۳۱ تیر ماه ۱۴۰۴
- سرفصل‌ها:

۱. ملاحظات راهبردی و بازتعریف توازن قدرت
 ۲. چالش‌های حقوقی و دیپلماتیک در مواجهه با حمله اسرائیل
 ۳. ضرورت بازتعریف بازدارندگی در راهبردهای امنیت ملی ایران
- نکته: به‌منظور حفظ استقلال علمی و تنوع دیدگاه‌ها، یادآور می‌شود که نظرات مطرح در این گفت‌وگو بازتاب‌دهنده آراء شخصی مصاحبه‌شونده است و لزوماً به‌معنای تأیید یا اتخاذ موضع از سوی گروه پژوهشی حقوق بشر دانشگاه اصفهان نمی‌باشد. شایان‌ذکر است نسخه کامل ویدئویی این مصاحبه از طریق وبسایت رسمی گروه به نشانی www.hriui.com در دسترس عموم قرار دارد.

گزارش مصاحبه

۱. ملاحظات راهبردی و بازتعریف توازن قدرت

بخش نخست مصاحبه دکتر شفیعی با تمرکز بر آسیب‌شناسی ملاحظات راهبردی ایران در قبال حمله اسرائیل، ضرورت گذار از چارچوب‌های تحلیلی پیشین به یک نگاه سیستمی و فناورانه-ژئوپلیتیک را برجسته می‌سازد؛ نگاهی که نه‌تنها موقعیت منطقه‌ای ایران را واقع‌بینانه‌تر ارزیابی می‌کند، بلکه در تدوین دکترین بازدارندگی، جایگاه فناوری و روایت را هم‌سطح قدرت سخت در نظر می‌گیرد. از این‌رو حادثه حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران صرفاً یک اقدام نظامی نبود، بلکه می‌توان آن را نشانه‌ای از تغییر رویکرد در نوع مواجهه دشمنان با ایران دانست. این رویداد همچنین بحث‌هایی درباره ارزیابی‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در قبال ماهیت و ابعاد تهدیدات محیطی و بین‌المللی برانگیخت. به گفته دکتر نوذر شفیعی، در این زمینه بیشتر از ضعف عملیاتی یا کمبود قدرت بازدارندگی سخت، موضوع محاسبات راهبردی موردتوجه قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های راهبردی، دشواری در ارزیابی دقیق توانمندی‌های نظامی و فناورانه رژیم اسرائیل بوده است. تحلیل‌گران ایرانی، به‌ویژه در سطوح تصمیم‌سازی، معمولاً اسرائیل را به‌عنوان موجودیتی کوچک با عمق استراتژیک محدود و ساختاری آسیب‌پذیر ارزیابی می‌کنند. این نگاه اگرچه ممکن است در دهه‌های گذشته قرین به واقعیت بوده باشد، اما تحولات تکنولوژیک نظامی و اطلاعاتی در اسرائیل طی سال‌های اخیر، آن را به بازیگری با قدرت نقش‌آفرینی بسیار فراتر از وسعت جغرافیایی‌اش تبدیل کرده است. در حمله اخیر، اسرائیل از فناوری‌هایی چون پهپادهای هوشمند، سیستم‌های هدایت‌پذیر از راه دور، شبکه‌های سایبری و عملیات اطلاعاتی بسیار دقیق استفاده کرد. این موارد نشان دادند که ارزیابی سنتی ایران از دشمن، نیازمند بازنگری اساسی است.

چالش دوم، اتکای بیش از حد به مفروضات سنتی در مورد رفتار متحدها و رقبای جهانی بود. تصور غالب در دستگاه سیاست خارجی ایران بر این باور استوار بوده که آمریکا در شرایط داخلی متزلزل کنونی، حاضر به حمایت مستقیم از حملات اسرائیل نیست، یا لاقلاً در اقداماتی از این دست، جانب احتیاط را رعایت خواهد کرد. همچنین فرض بر آن بود که روسیه، به دلیل روابط استراتژیک با تهران، در صورت بروز چنین حمله‌ای، موضع‌گیری قوی یا اقدام بازدارنده‌ای اتخاذ خواهد کرد. اما در عمل، همان‌گونه که دکتر شفیعی می‌گوید، هم آمریکایی‌ها پشت اسرائیل ایستادند، هم روس‌ها سکوت کردند.

وقتی چنین حمله‌ای صورت می‌گیرد و شما انتظار دارید روسیه یا چین واکنش نشان دهند و نمی‌دهند، یعنی اینکه محاسبات شما در مورد

دوستانان هم دچار مشکل است... این هم یک چالش راهبردی است. این نکته بار دیگر تأکید می‌کند که توازن قدرت جهانی، به‌ویژه در ساختارهایی مانند شورای امنیت و نظام چندقطبی نوظهور، به‌گونه‌ای نیست که بتوان در شرایط بحرانی، بر حمایت قاطع هیچ کشوری اتکا کرد، مگر آنکه منافع مستقیم آن کشورها درگیر باشد.

به گفته دکتر شفیعی، یکی از مباحث قابل‌توجه، میزان کارآمدی بازدارندگی ایران در برابر فناوری‌های نوین اسرائیل است. وی معتقد است که ایران هر چند در حوزه موشکی و ظرفیت‌های نیابتی منطقه‌ای ساختاری نسبتاً مؤثر ایجاد کرده، اما در برابر ابزارهایی مانند پهپادهای کوچک، جنگ سایبری و حملات نقطه‌زن هوشمند نیازمند تقویت و توسعه ساختارهای دفاعی جامع‌تر است. به باور او، اگر راهبرد بازدارندگی ایران صرفاً بر پایه توان موشکی و حضور منطقه‌ای نیروهای نیابتی تعریف شود، در مواجهه با الگوهای غیرخطی جنگ نوین با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد.



۲. چالش‌های حقوقی و دیپلماتیک در مواجهه با حمله اسرائیل

در ادامه تحلیل حادثه اخیر و واکنش ایران، دکتر نوذر شفیعی به یکی از مهم‌ترین زوایای مغفول‌مانده در پاسخ جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند: بعد حقوقی و دیپلماتیک حمله اسرائیل. به اعتقاد او، اگرچه توجه افکار عمومی و ساختار رسمی کشور بیشتر معطوف به پاسخ نظامی و قدرت بازدارندگی است، اما غفلت از پیگیری حقوقی و دیپلماتیک چنین اقداماتی، به‌ویژه در سطح نهادهای بین‌المللی، تضعیف‌کننده موقعیت حقوقی و مشروعیت ایران در نظام جهانی است.

به گفته ایشان، حمله اسرائیل به خاک ایران، صرف‌نظر از نتایج عملیاتی‌اش، نقض آشکار اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل است. بر اساس منشور سازمان ملل متحد، به‌ویژه ماده ۲ بند ۴، توسل به زور در روابط بین کشورها ممنوع بوده، مگر در دو حالت: دفاع مشروع (طبق ماده ۵۱) یا مجوز شورای امنیت سازمان ملل. در مورد اخیر، نه‌تنها هیچ‌گونه اقدام مسلحانه‌ای از سوی ایران علیه اسرائیل در جریان نبوده، بلکه اسرائیل هیچ‌گونه مجوزی از شورای امنیت نیز برای این اقدام دریافت نکرده است؛ بنابراین، این حمله از منظر حقوقی یک تجاوز نظامی محسوب می‌شود. اما به‌رغم وجود ظرفیت‌های حقوقی برای پیگیری، دکتر شفیعی معتقد است که ایران در استفاده از سازوکارهای بین‌المللی حقوقی، ظرفیت‌های موجود را به طور کامل به کار نگرفته است. این مسئله، به‌ویژه در زمانی که افکار عمومی جهانی به‌شدت حساس نسبت به تنش‌ها در خاورمیانه هستند، موجب می‌شود که روایت ایران از ماجرا، به‌درستی در سطح بین‌المللی شنیده نشود. در واقع، ابزار حقوق بین‌الملل باید نه فقط برای دفاع، بلکه برای ساختن روایت مشروع و مقبول از یک حادثه استفاده شود. اگر ایران در اولین ساعات پس از حمله، با تنظیم شکایت رسمی به شورای امنیت، درخواست جلسه اضطراری، مکاتبه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ارجاع پرونده به دیوان بین‌المللی دادگستری اقدام می‌کرد، می‌توانست فضای رسانه‌ای و حقوقی جهانی را در مسیر افشاکاری

علیه اسرائیل هدایت کند. به باور دکتر شفیعی، حتی اگر شورای امنیت به دلیل وتوی آمریکا به نتیجه‌ای نرسد، باز هم تنظیم سند، ارائه شکایت، تشکیل پرونده و مستندسازی، اهمیت بسیار زیادی دارد. این اقدامات بعدها می‌توانند در مجامع حقوقی یا حتی فضای رسانه‌ای مورد استناد قرار گیرند.

مسئله دیگر، به نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازمی‌گردد. حمله اسرائیل به یکی از مراکز هسته‌ای ایران، طبق تمامی موازین شناخته‌شده، اقدامی خطرناک علیه امنیت هسته‌ای و صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های اتمی یک کشور عضو معاهده ان‌پی‌تی محسوب می‌شود. دکتر شفیعی تأکید می‌کند که ایران باید از آژانس بخواهد تسببت به امنیت تأسیسات هسته‌ای ایران موضع‌گیری رسمی کند. در واقع، از نگاه حقوقی، سکوت آژانس یا شورای امنیت نسبت به این حمله، به معنای تضعیف اصل عدم مداخله و امنیت هسته‌ای است. ایران می‌توانست با ارائه اسناد حمله، مکاتبه رسمی با آژانس و درخواست تشکیل جلسه اضطراری، موضع بین‌المللی خود را تقویت کند.

در کنار ابعاد حقوقی، دکتر شفیعی به نقش دیپلماسی فعال و رسانه‌ای در بحران‌ها اشاره می‌کند. به گفته او، صرف صدور بیانیه و محکوم کردن رسمی، پاسخ کافی نیست. باید دستگاه دیپلماسی کشور، به‌ویژه نمایندگی‌های دائم در سازمان ملل، اروپا و آسیا، ابتکار عمل را در دست بگیرند و از فضای رسانه‌ای و حقوقی بهره‌برداری هوشمندانه کنند. به تعبیر دیگر، دستگاه دیپلماسی نباید صرفاً به ارسال پیام اعتراض یا صدور بیانیه بسنده کند، بلکه باید بتواند روایت رسمی کشور را در عرصه جهانی معتبر و مشروع جلوه دهد. این امر مستلزم آمادگی ساختاری، تیم حقوقی بین‌المللی، اتاق فکر رسانه‌ای و هماهنگی با نهادهای فنی چون سازمان انرژی اتمی است.

نکته دیگری که در مصاحبه مورد تأکید قرار می‌گیرد، لزوم ایجاد سابقه حقوقی در قبال حملات مشابه آتی است. به اعتقاد دکتر شفیعی، اگر ایران در برابر این حمله خاص، هیچ پرونده حقوقی ایجاد نکند، در حملات بعدی نیز دستانش خالی خواهد بود؛ در واقع، بازدارندگی صرفاً با قدرت موشکی محقق نمی‌شود؛ بخش مهمی از بازدارندگی، در ایجاد هزینه‌های حقوقی و بین‌المللی برای مهاجم نهفته است. هر قدر پیگیری حقوقی، رسانه‌ای و دیپلماتیک قوی‌تر باشد، احتمال تکرار چنین حملاتی کمتر می‌شود. دکتر شفیعی همچنین به ابعاد بین‌المللی مشروعیت‌بخشی اقدامات دفاعی ایران اشاره می‌کند. اگر ایران بتواند از طریق نهادهای حقوقی بین‌المللی اثبات کند که قربانی حمله‌ای غیرقانونی شده است، در آن صورت اقدام متقابل احتمالی در قالب دفاع مشروع، قابل دفاع خواهد بود. در غیر این صورت، پاسخ نظامی ایران ممکن است در افکار عمومی جهانی، به‌عنوان تشدید بحران و اقدام تحریک‌آمیز تعبیر شود.

۳. ضرورت بازتعریف بازدارندگی در راهبردهای امنیت ملی ایران

حادثه اخیر، یعنی حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، بار دیگر پرسش بنیادینی را در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران مطرح ساخت: آیا الگوی بازدارندگی فعلی همچنان توان تأمین امنیت ملی را دارد؟ دکتر نوذر شفیعی با نگاهی انتقادی و درعین‌حال واقع‌گرایانه، در این مصاحبه تأکید می‌کند که ایران باید بازدارندگی خود را از سطح صرفاً نظامی، به مدلی چندوجهی و فعال‌تر ارتقا دهد. به باور او، بازدارندگی فعلی ایران عمدتاً بر توان موشکی، سیاست انتقام متقابل و نمایش قدرت در حوزه‌های خاص متمرکز بوده است. اما این مدل، گرچه تا حدودی کارآمد ظاهر شده، در برابر تهدیدات پیچیده و چندلایه پاسخ‌گو نیست. اسرائیل با آگاهی از محدودیت‌های دیپلماتیک و حقوقی ایران، دست به اقدامی آشکار زد، بی‌آنکه هراس جدی از هزینه‌های تبعی آن داشته باشد. این خود به‌وضوح نشان می‌دهد که بازدارندگی فعلی ایران از نظر دشمن مؤثر یا قابل‌اعتنا نیست.

به گفته ایشان، بازدارندگی زمانی موفق است که دشمن در محاسبات خود به این جمع‌بندی برسد که حمله به ایران نه تنها سود ندارد، بلکه هزینه‌زا، غیرقابل‌توجیه و مخاطره‌آمیز است. از نظر مفهومی، بازدارندگی مؤثر سه شرط اصلی توانایی پاسخ مؤثر و متناسب، اراده سیاسی برای استفاده از آن پاسخ و اعتبار و باور دشمن به اجرای آن دارد؛ به اعتقاد دکتر شفیعی، ایران در هر سه بُعد نیازمند بازنگری است. اگرچه توانایی‌های نظامی ایران، به‌ویژه در حوزه موشکی و پهپادی، قابل‌توجه است، اما در سطح سیاسی و دیپلماتیک همچنان بحث‌هایی

- درباره چگونگی بهره‌گیری متناسب و هوشمندانه از ابزارهای بازدارنده وجود دارد.
- باتوجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیک منطقه، دکتر شفیعی توصیه می‌کند که ایران به‌جای پیروی صرف از یکی از این مدل‌ها، باید مدل بازدارندگی ترکیبی و بومی خود را طراحی کند. این مدل می‌تواند شامل مؤلفه‌های زیر باشد:
- بازدارندگی هسته‌ای محدود و شفاف: حفظ برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به‌عنوان خط‌قرمز، همراه با ابهام استراتژیک برای جلوگیری از اقدامات پیشگیرانه دشمن، بدون تهدید آشکار و لفظی؛
 - توسعه توانمندی‌های متعارف و نامتقارن: سرمایه‌گذاری در پهپادهای تهاجمی، جنگ سایبری، جنگ الکترونیک و سیستم‌های دفاع چندلایه که قابلیت مقابله با فناوری‌های پیشرفته اسرائیل را داشته باشد؛
 - دیپلماسی فعال و هوشمند: کاهش تنش‌های منطقه‌ای از طریق گفتگو با کشورهای همسایه عربی و تلاش برای ایجاد فضای منطقه‌ای پایدار و باثبات که خود موجب تقویت بازدارندگی می‌شود؛
 - عضویت فعال در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی نوظهور: مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای که به ایران قدرت نهادی می‌دهد و از طریق آن می‌تواند خلأهای موجود در ساختارهای بین‌المللی را جبران کند.



از نگاه دکتر شفیعی، اگر ایران نتواند چنین بازدارندگی چندوجهی و کنشگری را در سیاست امنیت ملی خود نهادینه کند، ناگزیر در آینده نیز در معرض اقدامات مشابه خواهد بود. زیرا دشمن، در غیاب هزینه‌های قابل‌توجه، انگیزه‌ای برای خودداری از اقدام ندارد. نکته کلیدی در نگاه ایشان، تبدیل مفهوم بازدارندگی از یک مدل صرفاً واکنشی، به یک مدل کنشی و هوشمند است. ایران نباید منتظر بماند تا دشمن اقدامی انجام دهد و بعد واکنش نشان دهد. بلکه باید در سیاست امنیتی خود، با ابزارهای مختلف، فضایی بسازد که دشمن حتی تصور اقدام را نداشته باشد. او همچنین از یک مشکل فرهنگی-سیاسی در درون ساختار امنیتی کشور یاد می‌کند: تقلیل مفهوم بازدارندگی به قدرت نظامی. این نگرش، در نهایت ایران را در یک چرخه «تهدید-پاسخ-تهدید» قرار می‌دهد که نه تنها به ثبات منجر نمی‌شود، بلکه امنیت روانی و اعتبار بین‌المللی کشور را کاهش می‌دهد.

پیشنهاد‌های سیاستی

بازنگری در ارزیابی تهدیدات و توان نظامی اسرائیل

تحلیل‌های ایران از وضعیت نظامی و فناوری‌های نوین اسرائیل نیاز به به‌روزرسانی دارد. تمرکز بر فناوری‌های پیشرفته نظامی و اطلاعاتی، مانند پهپادها، جنگ سایبری و عملیات اطلاعاتی، بسیار حائز اهمیت است.

تقویت سازوکارهای حقوقی و دیپلماتیک بین‌المللی

استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت، دیوان بین‌المللی دادگستری و آژانس انرژی اتمی می‌تواند نقش ایران در پیگیری اقدامات بین‌المللی و تبیین موقعیت خود تقویت کند.

توسعه مدل بازدارندگی چندلایه و ترکیبی

بازدارندگی می‌تواند فراتر از توان موشکی و نیروهای نیابتی باشد و شامل توانمندی‌های متعارف و نامتعارف، سیستم‌های دفاعی چندلایه و دیپلماسی فعال شود. این مدل می‌تواند پاسخ‌گو به تهدیدات پیچیده‌تر باشد.

تنوع‌بخشی در روابط بین‌المللی

ایران می‌تواند با گسترش تعاملات با کشورهای مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از تمرکز بر تعداد محدودی از متحدان فاصله بگیرد و انعطاف بیشتری در موقعیت بین‌المللی خود ایجاد کند.

تقویت دیپلماسی رسانه‌ای و روایت‌سازی بین‌المللی

استفاده هدفمند از ابزارهای رسانه‌ای و حقوقی برای انتقال روایت رسمی ایران و مستندسازی وقایع، می‌تواند شفافیت و اعتبار موقعیت کشور در سطح جهانی را افزایش دهد.

جمع‌بندی

حمله نظامی اخیر رژیم اسرائیل به خاک ایران، تنها یک رخداد امنیتی یا تاکتیکی نبود؛ بلکه نشانه‌ای از چالش‌های ساختاری در ارزیابی راهبردی، بهره‌برداری حقوقی و مدل بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در تحلیل جامع دکتر نودر شفیعی، سه نکته کلیدی برای آسیب‌شناسی این وضعیت و ارتقاء امنیت و قدرت ملی ایران برجسته می‌شود. نخست، ضرورت بازنگری در ارزیابی تهدیدات و واقعیت‌های نوین عرصه نظامی و ژئوپلیتیک که بر مبنای فناوری‌های پیشرفته، تغییر ماهیت داده‌اند و تفکر سنتی درباره توازن قدرت را ناکارآمد کرده‌اند. دوم، اهمیت تقویت سازوکارهای حقوقی و دیپلماتیک در سطح بین‌المللی به منظور مقابله مؤثر با تجاوزات نظامی و نقض حقوق بین‌الملل که البته باید هم‌زمان با واقع‌بینی نسبت به محدودیت‌ها و سیاست‌زدگی نهادهای بین‌المللی باشد. سوم، ضرورت طراحی یک مدل بازدارندگی ترکیبی و بومی که ضمن حفظ توانمندی‌های هسته‌ای صلح‌آمیز و قدرت متعارف، بر تقویت توانمندی‌های نامتعارف، دیپلماسی هوشمند و مشارکت فعال در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد.



دکتر شفیعی بارها به این نکته اشاره می‌کند که شرایط امروز ایران و منطقه پیچیده، شکننده و پر از بحران‌های متنوع است؛ از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی گرفته تا تهدیدات امنیتی مستقیم. در چنین شرایطی، تلاش برای حفظ و ارتقاء اقتدار ملی باید بر پایه مدیریت هوشمندانه بحران‌ها، اجتناب از برخوردهای پرهزینه و پیش‌گیری از انزوای استراتژیک باشد. بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فناوری‌های نوین و دیپلماسی فعال می‌تواند ایران را به موقعیتی مستحکم در منطقه و نظام بین‌الملل برساند. همچنین، انتخاب الگوهای بازدارندگی صرفاً مبتنی بر تسلیحات هسته‌ای یا قدرت متعارف، به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های امنیتی امروز باشد. ترکیب این مؤلفه‌ها با توانمندی‌های نامتقارن، توسعه سیستم‌های پیشرفته دفاعی و تقویت روابط چندجانبه، مسیر پایداری برای امنیت ایران فراهم می‌آورد. این رویکرد، هم انعطاف‌پذیری بیشتری دارد و هم می‌تواند هزینه‌های تنش‌های مکرر را کاهش دهد.

در نهایت، موفقیت در تحقق این اهداف منوط به اراده سیاسی قوی، استراتژی واقع‌بینانه و بهره‌مندی از ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی است. همان‌طور که دکتر شفیعی بیان کرده، ایران باید از بحران‌های کنونی به‌عنوان فرصتی برای بازسازی راهبردهای خود استفاده کند و با خروجی آبرومندانه از بحران‌ها، افق روشن‌تر برای آینده خود ترسیم نماید. این مسیر، بدون شک چالشی است، اما اگر با هوشمندی، صبر و پیگیری مستمر دنبال شود، ایران می‌تواند جایگاه خود را به‌عنوان بازیگری قدرتمند، تأثیرگذار و صلح‌طلب در عرصه جهانی تثبیت کند.

